

حکمت حجاب در اسلام - علیرضا دهقانپور، لیلا اوشلی

علمی - ترویجی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هجدهم، شماره ۶۹ «ویژه زن و خانواده»، زمستان ۱۳۹۹، ص ۱۵۴-۱۶۸

حکمت حجاب در اسلام

علیرضا دهقانپور*

لیلا اوشلی**

چکیده: حجاب از جمله مفاهیم پر کاربرد در جامعه است که در زندگی بشر تأثیر ویژه دارد. اهمیت حجاب اسلامی تا جایی است که در قرآن از آن به عنوان یک ضرورت یاد شده و به گوشه‌هایی از حکمت و کارکرد آن اشاره شده است. نوشتار حاضر به بررسی حجاب و انواع و حکمت آن می‌پردازد. حجاب به عنوان یک فرهنگ، ابعاد مختلفی دارد مانند حجاب پوششی، حجاب رفتاری، حجاب دیداری، گفتاری، و شنیداری.. سرشت انسان، اقتضای حیا و پوشش دارد. حکمت حفظ و پوشش اشیاء، ارزش آنهاست و حکمت حجاب، حفظ ارزش والای زن است برخی از موارد مورد اشاره به عنوان حکمت حجاب، عبارتند از: میل فطری، آرامش روانی، سلامت اجتماعی، ارزش زن، منع هویت‌جویی کاذب، تحکیم خانواده، کنترل خودآرایی، تعدیل شهوترانی، کنترل مدگرایی، اصلاح تحسین‌خواهی.

کلیدواژه‌ها: قرآن؛ سنت؛ حجاب؛ حکمت حجاب.

*. استادیار، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران dehqanpour@gmail.com

** . کارشناس ارشد معارف قرآن، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران Leila.oshli@yahoo.com

حجاب، دستوری قرآنی و تکلیفی دینی است که در قرآن کریم آیاتی درباره آن وجود دارد. چرا حجاب در اسلام تشریح شده است؟ حکمت حجاب یعنی بررسی آن دسته از علل و عواملی که حجاب را برای انسان ضروری می‌سازد و بیان فوایدی که بر آن مترتب است. آگاهی از حکمت حجاب می‌تواند یکی از پایه‌های تحقق فرهنگ حجاب اسلامی گردد و به آن عمق و معنا بخشد.

معنای حجاب

اهل لغت در تعریف حجاب گفته‌اند: هر آنچه میان دو چیز حائل شود، حجاب است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۴/۲) فقهاء در تعریف حجاب می‌گویند: حجاب لباسی است که زن برای حفظ عورت از اجانب می‌پوشد. (قلعجی، ۱۴۰۸: ذیل حجاب) طبق این تعریف، حجاب برای پوشاندن عورت به کار می‌رود و مصداق آن در مورد زن، همه بدن به جز وجه و کفین می‌باشد. (فتح‌الله، ۱۴۱۵: ۳۰۱) معمولاً در آثار فقیهان، از لفظ حجاب استفاده نشده است؛ بلکه بیشتر واژه «ستر» به کار رفته است. از نظر فقهاء، حجاب به عنوان یک تکلیف شرعی و حکم الهی جایگاه ویژه‌ای در شرع مقدس اسلام دارد؛ به گونه‌ای که اصل این حکم از ضروریات دین است. (حکیم، ۱۹۶۹: ۲۳۹/۵)

مفسران و عالمان دینی، برخی از آیات قرآن را ناظر به حجاب به معنای فقهی و عرفی آن دانسته و حکم حجاب را از آن استنباط نموده‌اند. آیه ۳۱ نور می‌فرماید: «زنان مؤمن باید زینت‌هایشان را جز آنچه آشکار است، هویدا نسازند و اطراف مقنعه‌ها را به سینه‌های خود انداخته و آن را بپوشانند.» مطابق آیه ۵۹ احزاب، «خداوند به زنان پیغمبر و زنان مؤمن توصیه می‌کند که جلاباب خود را پیش کشند تا بدین وسیله بهتر معلوم شود که زن مسلمان هستند تا آزار نبینند.» جلاباب، جامه‌ای است سرتاسری که تمامی بدن را می‌پوشاند و یا روسری مخصوصی است

که صورت و سر را می‌پوشاند. زنان باید آن را طوری بپوشند که سینه و زیر گلو پیدا نباشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۰۹/۱۶)

روش فهم حکمت احکام

در قرآن کریم آیاتی مربوط به انواع حجاب داریم که می‌توان با دقت در آنها به حکمت حجاب پی‌برد، هر چند بنای قرآن بر بیان تفصیلی حکمت احکام نیست. در روایات معصومین علیهم‌السلام بیشتر می‌توان اشاراتی در این مورد پیدا کرد. دانشمندان علوم انسانی و علوم تجربی با یافته‌های معرفتی و علمی خود، به برخی از موارد حکمت احکام و کارکرد آنها رهنمون شده‌اند.

الف. دلیل قرآنی

روش رجوع به قرآن برای به دست آوردن حکمت احکام سه گونه است:

۱. نصّ قرآن

گاهی آیه‌ای از قرآن به طور صریح حکمت حکم را بیان می‌کند. «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلباب و روسری‌های بلند خود را بر خویش افکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است.» (احزاب/۵۹) این آیه، حکمت حجاب و پوشش را شناخته شدن دانسته که زنان مؤمن، از اذیت شدن دور باشند. اما مقصود از شناخته شدن چیست؟ یا مقصود شناخته شدن به عفت و پاکدامنی است یعنی با این کار این گروه از زنان به عفت و پاکدامنی شناخته می‌شوند و مورد اذیت واقع نمی‌شوند یا این که مقصود این است که با این کار، زنان آزاد مؤمن از دیگر زنان قابل تشخیص خواهند بود.

۲. تناسب آیات

گاهی به طور صریح، حکمت حکم قرآنی بیان نمی‌شود؛ اما از تناسب آیات، مطلبی استنباط می‌شود مانند آیات سوره نور: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در

خانه‌ای غیر از خانه خود وارد نشوید مگر آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید این برای شما بهتر است شاید متذکر شوید و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفتند بازگردید، برگردید این برای شما پاکیزه‌تر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. گناهی بر شما نیست که وارد خانه‌های غیر مسکونی شوید که در آن کالایی (تجاری یا خدماتی) برای شما وجود دارد.» (نور/۲۷-۲۹) چون این آیات، قبل از آیات مربوط به حجاب آمده است، می‌توان به این نتیجه رسید که حکمت آیات استیذان، با حکمت پوشش ارتباط دارد و آن پوشیده داشتن اسراری است که فاش شدن آن را مردم دوست ندارند. فردی که استیناس می‌کند و صاحب خانه را به ورود خود آگاه می‌سازد، در حقیقت او را در پوشاندن آنچه باید بپوشاند کمک کرده و نسبت به خود ایمنی‌اش داده است. حریم خصوصی افراد باید محترم باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۰۹/۱۵)

۳. شأن نزول آیات

گاهی شأن نزول آیات می‌تواند بیانگر حکمت احکام باشد. در شأن نزول آیه ۵۹ آحزاب آمده است که وقتی زنان در صدر اسلام، از خانه‌های خود خارج می‌شدند تا نماز مغرب و عشاء و نماز صبح را با پیامبر ﷺ اقامه کنند، برخی جوانان در مسیر آنان می‌نشستند و موجب آزار آنان می‌شدند. (قمی، ۱۳۷۸: ۱۹۶/۲) از این بیان متوجه می‌شویم که حکمت حجاب، حفظ زن از آزار دیگران است.

ب. دلیل روایی

دقت در روایات، ما را به حکمت و فایده حجاب می‌رساند به عنوان نمونه یک روایت بیان می‌شود.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «حیا، جامه‌ای است در برگیرنده و حجابی است بازدارنده و پوششی است نگهدارنده از بدی‌ها». (ابن ابی الحدید، ۲۰۰۸: ۲۷۲/۲۰) در این

روایت، حکمت حیا در بُعد باطنی و روحی انسان مطرح است که حیا زشتی نهفته در نفس اماره را می پوشاند.

ج. دلیل تجربی

پژوهش‌های علمی و تجربی مطمئن که بر اساس استانداردهای علمی پذیرفته شده است، اگر درباره حکمت احکام شرعی به نتایج و یافته‌های مطمئن رسیده باشد، قابل اعتماد است.

انواع حجاب

حجابی که در اصطلاح شریعت مطرح است، یک فرهنگ است که به مجموعه‌ای از اخلاق و رفتار اطلاق می‌شود. حجاب هرگز یک عمل مفرد و تک عنصری و صرفاً پوشش نیست. در اینجا به برخی از جلوه‌ها و ابعاد حجاب می‌پردازیم.

۱. حجاب پوششی

در این زمینه توجه به این آیه مناسب است: «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند.» (احزاب/۵۹)

۲. حجاب رفتاری

فرهنگ حجاب شامل رفتارهای هر دو جنس، زن و مرد می‌شود. رفتار زن و مرد باید به گونه‌ای باشد که زمینه‌ساز هتک عفت و حیا نشود. در اینجا به برخی از نمونه‌های قرآنی اشاره می‌شود.

الف. حجاب و عفت در اختلاط: در قرآن می‌خوانیم: «هنگامی که موسی بر سر چاه آبی حوالی شهر مدین رسید، آنجا جماعتی را دید که دام خود را سیراب می‌کردند. او دو زن را دید که دور از مردان در کناری به جمع‌آوری گوسفندان مشغول هستند. موسی جلو رفت و گفت: شما اینجا چه می‌کنید؟ آن دو زن پاسخ

دادند که (چون ما با مردان اختلاط نمی‌کنیم، اینجا منتظریم تا مردان بروند آن‌گاه ما گوسفندان خود را سیراب کنیم. پدر ما شیخی سالخورده است (و مرد دیگری نداریم، ناچار ما را به شبانی گوسفندان فرستاده است.)) (قصص/۲۳) در آیه فوق مطابق روایات، دختران نبی خدا حاضر به اختلاط و حضور در جمع مردان نبودند. پرهیز از اختلاط را در آیه ۵۳ احزاب می‌توان دید. مطابق این آیه، خداوند به مردان مسلمان دستور می‌دهد که اگر در منزل پیامبر بودید و خواستید چیزی از همسران پیامبر بگیرید از پس پرده، آن را بگیرید و از اختلاط پرهیزید زیرا این برای پاکی قلب شما و آنان بهتر است.

ب. حجاب و حیا در راه رفتن: در قرآن می‌خوانیم: «یکی از دختران شعیب به سراغ موسی آمد، در حالی که در نهایت حیا، قدم بر می‌داشت و گفت پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد سیراب کردن گوسفندان را برای ما به تو بپردازد.» (قصص/۲۵) تأکید قرآن در چگونگی راه رفتن آن دختر نبی، دلالت بر اهمیت آن دارد. در فرهنگ حجاب، راه رفتن باید همراه با وقار و متانت باشد.

ج. حجاب و حیا در خودنمایی: «و همچون دوران جاهلیت نخستین، تبرّج نکنید.» (احزاب/۳۳) علامه طباطبایی در توضیح معنای «تبرّج» می‌نویسد «تبرّج، خود را نشان دادن برای مردم است، بدان سان که ساختمان‌های رفیع در چشم بینندگان، خودنمایی می‌کنند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۴۸۳) زنان مسلمان باید در معاشرت‌ها چنان رفتار کنند که نگاه هوس آلود دیگران را جلب نکنند.

۳. حجاب دیداری

حجاب چشم، پوشیدن چشم توسط چیزی نیست؛ بلکه فرو هِشتن و خودداری

از نگاه غیر مجاز است. در سوره نور، بخش دیگری از حجاب را برای مردان و زنان یادآور شده است. *قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ* (نور/۳۰)؛ ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند. سخن از حجاب نگاه است و در این آیه آشکارا به حجاب چشم، یعنی حفظ چشم از نگاه نامشروع اشاره شده است. در ادامه آیه می‌خوانیم: *قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ* (نور/۳۱)؛ ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.

در شأن نزول این آمده است که جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد چهره آن زن، نظر جوان را به خود جلب کرد. جوان، در حالی که راه خود را ادامه می‌داد، چشم خود را به او دوخت تا اینکه ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه‌ای که در دیوار بود صورتش را شکافت. هنگامی که زن دور شد، جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است، با همان حال نزد پیامبر رفت و از حالت زن شکایت کرد. در این هنگام آیه فوق نازل شد. (طبری، ۱۳۵۰: ۱۲۹/۱۷)

غضّ نظر، خودداری از نظر کردن ممنوع را می‌رساند. زن و مرد، زندگی جمعی دارند، لذا نمی‌توانند در صورت حضور در جامعه به طور کلی چشم خود را بپوشانند؛ ولی می‌توانند نگاه کردن خود را کنترل نمایند. تأکید بر هشدار بر نظر مسموم است نه اصل نظر. در حدیث آمده است: «النظر سهم مسموم من سهام ابلیس»؛ نگاه تیری است مسموم از تیرهای ابلیس. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۸/۱۰۴) معلوم است که هر گاهی، مسموم نیست، بلکه نگاه همراه با غضّ بصر اشکالی ندارد.

لغت‌دانان کلمه «غضّ» را کنترل چشم و مهار کردن نگاه می‌دانند. «غضّ» همان کاهش دادن و کاستن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۰۷) این مسأله به نوبه خود اثبات می‌کند که باید هر کدام از زن و مرد، حریم خود را نگاه دارند و نظرهای خود را

کنترل نمایند.

۴. حجاب گفتاری و شنیداری

دستور دیگر خداوند درباره حجاب، به شیوه مخصوصی از سخن گفتن و کارکرد آن در تعامل اجتماعی زنان، نظر دارد. در قرآن خطاب به زنان می فرماید: «پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند.» (احزاب/ ۳۲) خضوع در کلام به معنای این است که زنان در برابر مردان، آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریه و خیالهای شیطانی نموده، شهوتش را برانگیزانند و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد. منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است، آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می‌دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۴۶۱)

آیه شریفه - با پیش فرض مشروعیت و روا بودن اصل سخن گفتن زن با مرد نامحرم - سخن گفتن زنان با مردان نامحرم را به دو گونه تقسیم کرده است؛ قسم نخست، سخن گفتن معمولی و متعارف است که در آن هیچ تغییری در آهنگ و طنین صدای زن، رخ نمی‌دهد و نیز واژه مورد استفاده، از واژه‌های معمول و متعارف فراتر نمی‌رود. قسم دوم؛ سخن گفتنی است که در آن، واژه‌ها به گونه خاصی لطیف و تحریک‌آمیز انتخاب شده و یا با لحن و طنین خاصی ادا می‌شود. قرآن کریم، از شیوه دوم، نهی کرده است.

حکمت حجاب

سخن از حکمت حجاب یعنی صحبت از حکمت حجاب، سبب تشریح آن، فایده آن، نقش و کارکرد آن در زندگی، نتایج آن در ابعاد فردی، اجتماعی، جسمی، روانی، دنیوی و اخروی است. حجاب به سبب انگیزه‌های طبیعی و گرایش بین مرد و زن می‌باشد. فائده حجاب این است که موجب پاکی روح و جسم، آرامش روحی و روانی،

حفظ امنیت، تأمین آزادی و فعالیت سازنده اجتماعی و شکوفائی استعدادهای مرد و زن می‌شود. در ادامه به مواردی از حکمت حجاب اشاره می‌شود:

۱. اصالت پوشیدگی

پوشیدگی برای انسان یک اصل است. به عبارت دیگر پوشیدگی مطابق فطرت انسانی و پاسخ به میل فطری است. از دیدگاه قرآن کریم، فطرت انسان از عریانی گریزان است. این حکم مستقل عقلی نیازی به شاهد آوردن ندارد و سراسر تاریخ بشر بر آن گواه است.

یکی از ادله بر اصالت پوشش، نحوه انتقاد قرآن از یک رسم جاهلی است. در زمان جاهلیت، این عادت زشتی بین اعراب وجود داشت که به بهانه اینکه در لباس‌های خود معصیت کرده‌اند، هنگام طواف لخت می‌شدند و گرد خانه خدا طواف می‌کردند (طبرسی، ۱۳۵۰: ۴/۶۳۳) خداوند این عمل را فاحشه (زشتی آشکار) می‌نامد (اعراف/۲۸)؛ یعنی فساد و زشتی برخی از اعمال، نزد فطرت هر انسانی روشن است و هر انسانی بالفطره می‌داند که عریانی پسندیده نیست.

۲. آرامش درونی

یکی از مهمترین خواسته‌های مرد، تمایل به جنس زن است. ارائه زیبایی‌ها و مواضع بدن زن، به شهوت و طمع مردان دامن می‌زند و آنها را به یک کانون جدی خطر مبدل می‌سازد که به سلب امنیت و آرامش زن منتهی می‌گردد. پوشش دینی پیام عفت، شخصیت و خداترسی زن مسلمان است. (اکبری، ۱۳۷۶: ۱۵)

۳. استحکام پیوند خانوادگی

تحکیم خانواده که بر اساس محبت همسران استوار می‌شود، از مهمترین مسائل خانوادگی به شمار می‌رود و آنچه بنیان خانواده را متزلزل کند از بدترین آفت‌های آن به حساب می‌آید. وقتی چشم‌های مردی در محیط‌های مختلف اجتماعی از

دیدن مناظر جالب توجه زنان و دختران کامیاب شود، از جذابیت همسرش در چشم او کاسته می‌شود. این کاهش علاقه بسیاری از پیوندها را با سستی همراه می‌سازد. (اکبری، ۱۳۷۶: ۲۱)

۴. استواری اجتماع

پوشانیدن بدن به استثناء وجه و کفین مانع هیچ‌گونه فعالیت فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی نیست. آن چه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است، آلوده کردن محیط کار به لذت جویی‌های شهوانی است. کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند. اسلام نه می‌گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می‌گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد، بلکه علم و دانش را فریضه مشترک زن و مرد دانسته است و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۱۵)

۵. مهار میل به خود نمایی

یکی دیگر از دلایل حجاب، میل زن به خودنمایی است. اسلام برای کنترل این میل درونی، بی‌توجهی به پوشش در عرصه‌های عمومی را نهی کرده و به علاوه برای پاسخ‌گویی مناسب به این میل، زنان را به داشتن زینت و آرایش در عرصه خصوصی تشویق کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بعضی از همسرانشان که به آراستگی خود توجه نداشتند، اعتراض کرد و سرمه کشیدن و رنگ کردن را توصیه فرمود. امام باقر علیه السلام نیز زنان را از ترک آرایش نهی کرد. (نوری، ۱۴۰۷: ۳۹۴/۱)

۶. ارزش و احترام زن

حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد، یکی از روش‌هایی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقعیت خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است. اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند. اسلام مخصوصاً تأکید دارد که زن

هر اندازه متین تر و با وقارتر حرکت کند و خود را در معرض نمایش نگذارد، احترامش برای مرد افزون می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۱: ۴۴۱) حکمت نگهبانی و پوشش اشیاء، ارزش آنهاست. هر اندازه ارزش یک چیز افزایش یابد، درصد محافظت از آن بیشتر می‌شود. حکمت حجاب حفظ ارزش والای زن است. (اکبری، ۱۳۷۶: ۱۳)

۷. پیشگیری از عقده حقارت

حجاب از دامن زدن به اسباب عقده حقارت جلوگیری می‌کند. این عقده که یکی از عوامل مهم روانی در بروز ناهنجاری و ارتکاب جرم است، خود از دلایل گسترش بی‌حجابی و خودنمایی است. نداشتن زیبایی کافی، نداشتن اندامی متناسب، وجود نقایصی در چهره، نیاز به ازدواج و مهیا نبودن شرایط ازدواج و بیماری خاص از عوامل مهم در ایجاد این عقده در بانوان است. (کی‌نیا، ۱۳۸۲: ۶۳)

در برخی احادیث به شکل بسیار زیبایی به رابطه بین نحوه پوشش و بیماری روحی عقده حقارت اشاره شده است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «برای حقارت و خواری آدمی همین بس که لباسی به تن کند که او را مشهور نماید.» (کلینی، ۱۳۸۸: ۴/۶)

۸. منع شهوترانی خاموش

زنان کم پوشش می‌کوشند تا حدی که می‌توانند با جلا و جلوه هر چه بیشتر، خود را در دید جویندگان لذت درآورند که از این کار به شهوترانی خاموش تعبیر می‌شود. (غلامی، ۱۳۸۶: ۵۶)

۹. جلوگیری از هویت‌جویی کاذب

برخی از اشخاص به دلیل عدم اعتماد به نفس و عدم عزت نفس و احساس ارزشمندی پایین از درون تهی مانده‌اند و هنوز به شخصیتی ارزنده و ممتاز دست نیافته‌اند. اینان در پی آن هستند که چیزهایی جذاب و چشم‌پرکن را بجویند با این

تصور که بر جذابیت و استقلال شخصیتی خود می‌افزایند و در نظر مردم، تشخص و امتیازی می‌یابند. مسائلی مثل بحران هویت، تلاش برای بازسازی باورها و شناخت‌ها، پی بردن به رمز و راز وجودی خود و یافتن سؤال‌های بنیادین در مسیر رشد، اگر به موقع و از کانال صحیح پاسخ داده نشود، مخرب شخصیت می‌شود. (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۸)

۱۰. اصلاح تحسین خواهی

زن می‌خواهد مقبولیت کسب کند و از این راه به آرامش درونی دست یابد. او می‌خواهد دیگران شخصیتش را بشناسند و او را تأیید کنند. اگر این حس از گذرگاه سنجیده‌ای نگذرد، از بیراهه‌های جلوه‌نمایی اندام و خصوصیات و جاذبه‌های ظاهری او سر بر می‌آورد و با نوعی بی‌قراری، هر پدیده باز دارنده‌ای مثل حجاب را از سر راه بر می‌دارد. (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۹)

۱۱. پیشگیری از بیش‌تعمیمی در تقلید از الگو

یکی از آسیب‌هایی که در مسیر فطری «میل به تقلید» وجود دارد، تعمیم در تقلید از الگوست. نام این کار «بیش‌تعمیمی» است. که در تقلید از فرهنگ غربی نیز اتفاق افتاده است. افراد به جای آن که به دلایل پیشرفت غرب بنگرند به مظاهر و نمادهای زندگی آنان توجه کرده‌اند. (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۹) حجاب از بیش‌تعمیمی جلوگیری می‌کند و سبب می‌شود تقلید نابجا از سایر فرهنگ‌ها در پوشش و ظاهر و مسائل فرعی و غیر دخیل در ملاک الگوپذیری صورت نپذیرد.

۱۲. کنترل سنت‌گزیزی

حجاب روحیه سنت‌گزیزی را از بین می‌برد و حفظ سنت‌ها را به ما یادآور می‌شود. (غلامی، ۱۳۸۶: ۷۶)

۱۳. کنترل تنوع طلبی و مدزدگی

انسان تنوع طلب است و گاه در این مسیر به افراط می‌افتد. پوشش، زمینه تنوع طلبی و مدگرایی را کم می‌کند. فرد با پوشش شرعی، کمتر مجال تنوع طلبی در پوشش و مدگرایی در ظاهر را پیدا می‌کند.

۱۴. جلوگیری از مردنمایی

یکی از آسیب‌ها برای جنس مرد و زن، تشبه به جنس مخالف است که اسلام برای پیشگیری از آن قوانینی وضع کرده است. در مقابل، نیم برهنگی زن راهی خواهد بود برای ورود به دنیای مردانگی و تبدیل شدن به یک بدل برای مرد. تبلیغات فمینیستی نیز در این زمینه بی‌اثر نیست. (غلامی، ۱۳۸۶: ۷۷)

۱۵. ابراز وجود و اظهار لیاقت

زن در طول تاریخ به نحوی تحقیر شده است که می‌خواهد برای جبران آن خودنمایی کند. فرد خودنما می‌کوشد راهی برای نفوذ در دل‌ها بیابد و قدرت و استعداد خود را به اثبات برساند. (غلامی، ۱۳۸۶: ۵۴)

۱۶. پوشش، نمادی برای تقوا

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۷ سوره اعراف می‌نویسد: «ای بنی آدم بدانید که برای شما معایبی است که جز لباس تقوا چیزی آن را نمی‌پوشاند، و لباس تقوا همان لباسی است که ما از راه فطرت به شما پوشانده‌ایم. پس زنهار که شیطان فریبتان دهد و جامه خدادادی را از تن شما را بیرون نماید... پس هر انسانی تا فریب شیطان را نخورده در بهشت سعادت است و همین که فریفته او شد خداوند او را از آن بیرون می‌کند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۸/۷۰)

۱۷. پوشش، مایه زینت

خداوند در سوره اعراف، لباس و زینت را از نعمت‌های خود برمی‌شمرد که بر

بنی آدم ارزانی داشته است. می‌فرماید: ای فرزندان آدم، در حقیقت، ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که برای شما زینت است. (اعراف/۲۶) چه کسی زینت را حرام کرده است؟ (اعراف/۳۲) هرگاه انسان بداند که احکام و دستورات الهی منافاتی با نیازهای طبیعی و فطری او ندارد زودتر در مقابل احکام سر تسلیم فرود می‌آورد. (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۲۵)

علامه طباطبایی جاذبه انسان به سمت خودآرایی و استفاده از زینت را ناشی از اجتماعی بودن او و نوعی نیاز برای او برمی‌شمرد. می‌نویسد: اگر انسان در دنیا انفرادی زندگی می‌کرد، هرگز محتاج به زینتی که خود را با آن بیاراید نمی‌شد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۸۰/۸)

نتیجه‌گیری

حجاب، از جمله عوامل اثرگذار در ایجاد روابط اجتماعی متعادل است. حجاب و عفاف، زمینه آرامش جسمی و روحی در جامعه را فراهم آورده و مانع بهره‌جویی و منفعت یکطرفه از جنس مخالف می‌شود. با فرهنگ حجاب، مصلحت فردی و اجتماعی افراد تأمین خواهد شد. هدف و حکمت وجوب حجاب اسلامی، ایجاد تزکیه نفس، طهارت و عفت و پاکدامنی در بین افراد جامعه، و ایجاد صلاح و پیشگیری از فساد است. رعایت حجاب نه تنها باعث به وجود آمدن مشکلات و آسیب‌ها به جامعه نمی‌شود، بلکه از نظر روانی نیز بسیار مهم است و باعث سلامت روانی نیز می‌گردد.

منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، (۲۰۰۸). شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۲. اکبری (۱۳۷۶)، محمود، مروارید عفاف، قم، انتشارات قم مقدس، اول.
۳. حکیم، سیدمحسن، (۱۹۶۹) مستمسک العروة الوثقی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۴. خوبی، سید ابوالقاسم (۲۰۰۶)، منهاج الصالحین، بیروت، دارالمرتضی، چاپ اول.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم.

۶. رشیدی، علیرضا، عزت اله زبیری، بهزاد عزیزمانی، کسری شریفی، طیبه نقشبته (۱۳۹۴)، عوامل مؤثر بر حجاب گریزی، *دانش انتظامی کرمانشاه*، سال ششم، تابستان ۱۳۹۴، شماره ۲۱.
۷. سیدبن قطب، (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشروق.
۸. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی تفسیر الماثور*، قم، کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*، سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۰. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (۱۳۵۰). *مجمع البیان*، ترجمه احمد بهشتی و دیگران، تهران، انتشارات فراهانی.
۱۱. طبری، (۱۳۵۶). *ترجمه تفسیر طبری*، تهران، انتشارات توس.
۱۲. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵). *مجمع البحرين*، تهران، مکتبه المرتضویه.
۱۳. عروسی حویزی، (۱۴۱۵). *نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۱۴. عیاشی، (۱۳۸۰). *التفسیر*، تهران، چاپخانه علمیه.
۱۵. غلامی، یوسف (۱۳۸۶) *اخلاق و رفتار های جنسی*؛ قم: معارف.
۱۶. فتح اله، احمد، (۱۴۱۵)، *معجم الفاظ الفقه الجعفری*، بغداد، مؤسسه الرحمن الاسلامیه.
۱۷. فیض کاشانی، محمد (۱۳۷۶ش)، *محجة البیضاء فی تهذیب الإحیاء*، مصحح: غفاری، علی اکبر، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین قم - ایران، پنجم.
۱۸. قلعجی، محمد رواس، (۱۴۰۸). حامد صادق قنبری، *معجم لغه الفقهاء*، بیروت، دار النفائس للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۹. قمی، علی ابن ابراهیم (۱۳۷۸)، *تفسیر القمی*، قم، مکتب المهدی.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۱. کی نیا، مهدی (۱۳۸۲)، *مبانی جرم شناسی (جلد ۱)*، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). *بحار الأنوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت - لبنان.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، انتشارات صدرا.
۲۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱)، *مجموعه آثار*، ج ۲۱، تهران، انتشارات صدرا.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۷، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۴ و ۱۴ا، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث.